



Analysis of the Spiritual, Psychological, Physical and Social Impacts and Consequences of Sin on the Health of the Body and the Spirit from the Perspective of the Qur'an and Narrations

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Farnam A.¹ PhD,
Kia S.*² MSc,
Khalili E.³ MSc

How to cite this article

Farnam A, Kia S, Khalili E. Analysis of the Spiritual, Psychological, Physical and Social Impacts and Consequences of Sin on the Health of the Body and the Spirit from the Perspective of the Qur'an and Narrations. Journal of Quran and Medicine. 2019;4(2):101-109.

ABSTRACT

Introduction Recognizing diseases is the first step in the prevention and treatment of them. The role of disease prophylaxis is more important than its treatment. Those who recognize the disease and its consequences never expose themselves to the risk of it. But the unknowing people with ignorance, endanger themselves and threaten the health of those around them. The recognition of "sin disease" which is the deadliest of all diseases, is essential for everyone. Surely "sin disease" is more dangerous than all of the diseases, and if other diseases threaten only one member of the body, the "sin disease" destroys the health of the body and spirit, and the material and spiritual life of man. The aim of this review was to investigate the sin and its negative consequences.

Conclusion From the point of view of the Qur'an and the narrations, the spiritual effects and consequences of sin include falling into the abyss of delusions and ignorance of God. The psychological consequences of sin include grudge and jealousy, affliction, suspicion and revelations of faults. The physical consequences of sin include anxiety, lust, and short-lived human life and death. Ultimately, the social consequences of sin are disturbing the balance of society and creating class divisions and the appearance of poverty and famine, and the appearance of hatred between individuals and as a result of delinquency in society.

Keywords Sin; Illness; Health; Quran and Narrations

¹Psychology Department, Psychology & Educational Sciences Faculty, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

²Educational Sciences Department, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

³Counseling & Guidance Department, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

*Correspondence

Address: Department of Educational Affairs, Shahid Ahmadi Roshan Building, Yazd University, Yazd, Iran. Postal code: 8915818411.

Phone: +98 (35) 38277186

Fax: -

kiyasamaneh@gmail.com

Article History

Received: December 07, 2018

Accepted: March 14, 2019

ePublished: June 20, 2019

CITATION LINKS

[1] The seas of lights (Behar al-anwar) [2] Sinology [3] Philosophical Discourse [4] The ideal commentary [5] Favorites of wisdoms and pearls of words (Qorar al-hekam wa dorar al-kelam) [6] The way of eloquence (Nahj al-balagha) [7] The adequate principles (Usul al-kafi) [8] The issue of children's fear and anxiety [9] What a woman should know [10] Quran and sciences of the day [11] The balance in interpretation of Quran (Al-mizan fi tafsir al-Quran) [12] The interpretation of light

تحلیل آثار و پیامدهای معنوی، روانی، جسمانی و اجتماعی گناه بر سلامت جسم و روح از منظر قرآن و روایات

علی فرنام PhD

گروه روان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

سمانه کیا^۱ MSc

گروه علوم تربیتی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

عصمت خلیلی MSc

گروه مشاوره و راهنمایی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

مقدمه: شناخت بیماری‌ها اولین گام در پیشگیری و درمان آنهاست. نقش پیشگیری بیماری بسیار مهم‌تر از درمان آن است. آنان که بیماری‌ها و پیامدهای آن را می‌شناسند هرگز خود را در معرض ابتلا به آن قرار نمی‌دهند. لکن افراد ناآگاه با بی‌توجهی، هم خود را در معرض خطر قرار می‌دهند و هم سلامتی اطرافیان‌شان را تهدید می‌کنند. شناخت "بیماری گناه" که از تمام بیماری‌ها مهلک‌تر است، برای همه ضرورت تام دارد. یقیناً "بیماری گناه" در مقایسه با انواع بیماری‌ها از تمام آنها خطرناک‌تر است و اگر سایر بیماری‌ها فقط عضوی از اعضای بدن را تهدید می‌کند، بیماری گناه سلامتی جسم و روح و سرانجام زندگی مادی و معنوی انسان را تباہ می‌نماید. هدف پژوهش مروری حاضر، بررسی "گناه" و پیامدهای منفی آن بود.

نتیجه‌گیری: از منظر قرآن و روایات، آثار و پیامدهای معنوی گناه شامل سقوط در پرتگاه ضلالت و گمراهی و و غفلت از یاد خدا، آثار و پیامدهای روانی گناه شامل کینه و حسادت، درد و رنج، سوءظن و آشکارشدن عیوب، پیامدهای جسمانی گناه شامل اضطراب، شهوت‌پرستی و کوتاهی عمر و هلاکت انسان و نهایتاً آثار و پیامدهای اجتماعی گناه، به‌هم‌خوردن تعادل جامعه و ایجاد اختلافات طبقاتی و پیدایش فقر و قحطی و پیدایش دشمنی و کینه بین اشخاص و در نتیجه بزهکاری در جامعه است.

کلیدواژه‌ها: گناه، بیماری، سلامتی، قرآن و روایات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

نویسنده مسئول: kiyasamaneh@gmail.com

مقدمه

بحث از "گناه" و زمینه‌های پیدایش و پیامدهای معنوی، روانی، جسمانی و اجتماعی گناه بر سلامت جسم و روح، از جمله اموری است که امروزه شدیداً به آن نیازمندیم، زیرا اگر بخواهیم با این بیماری مقابله کنیم و جامعه را از این مفسد اجتماعی دور نگه داریم، راهی نداریم جز این که پیامدها و آثار گناه را بشناسیم. علاوه بر ایضاح عینی و کاربردی این مفهوم از دیدگاه قرآن، شناخت پیامدهای آن از منظر قرآن و روایات ضرورت دارد. لذا هدف پژوهش مروری حاضر، بررسی "گناه" و پیامدهای منفی آن بود، تا بتوانیم ضمن توصیف گناه و پیامدهای ناگوار آن در جامعه، یک نگرش تفصیلی و جزئی‌نگر، از گناه و پیامدهای آن از منظر قرآن برای عموم ارایه دهیم.

آثار و پیامدهای معنوی گناه از منظر قرآن و روایات

گناه و سقوط در پرتگاه ضلالت و گمراهی

سرنوشت فرد و جامعه به هم پیوسته است، لذا خوشبختی و سعادت افراد به سیر حرکت جامعه نیز بستگی دارد. در جامعه‌ای که هر فرد فقط به خود و منافع شخصی خود می‌اندیشد و به آینده و سرنوشت دیگران کاری ندارد و به تعبیری حس مسئولیت اجتماعی در افراد وجود ندارد، سیاست کیفری امری بی‌نتیجه و کم‌تاثیر است. خداوند در قرآن می‌فرماید: "إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ انسان در خسران و زیان است، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و همدیگر را به حق و صبر سفارش و توصیه نمایند".

در واقع مصونیت از خسران به سبب ایمان است که در عرصه عمل به‌صورت عمل صالح و ترک معصیت خود را نشان می‌دهد و البته گمراهی یک انسان و سقوط او در ورطه گناه و بزهکاری بر سرنوشت جامعه تاثیرگذار است.

آیاتی از قرآن دلالت بر رابطه گناه و رزق حرام و ضلالت و گمراهی افراد دارد که عاقبت این گمراهی و انحراف از حقیقت کیفری است که خداوند برای آنها در نظر گرفته است و بد عاقبتی است عاقبت کسانی که نشانه‌های او را نادیده بگیرند و با کتمان آنچه خداوند نازل کرده است درآمد ناچیزی کسب نمایند که خداوند درباره این گروه می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ يُسْتَتِرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أَوْلَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يَكْلُمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يَزْكِيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ آنان که پنهان دارند آیاتی از کتاب آسمانی را که خدا فرستاده بود و آن را به بهای اندک فروشند، جز آتش جهنم در شکم نمی‌برند و در قیامت خدا با آنها سخن نگوید و (از پلیدی عصیان) پاکشان نگرداند، و هم آنان را در قیامت عذابی دردناک خواهد بود".

همان گونه که عاقبت کسانی که به ظلم، اموال یتیمان را می‌خورند این گونه تبیین شده است و خداوند به‌صراحت بیان می‌دارد: "إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنْمَّا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيُضَلُّونَ سَعِيرًا؛ آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد".

البته روایات زیادی نیز دلالت بر این مطلب دارند که گناه ناشی از رزق حرام انسان را جهنمی می‌کند؛ پیامبر^(ص) فرمود: "کل لحم نبت من حرام فالنار أولى به؛ هر گوشتی که بروید بر تن انسان که از حرام تهیه شده باشد آتش به آن سزاوارتر است^[۱]. در جای دیگر فرمود: هر کس در تحصیل مال بی‌پروا باشد یعنی رعایت حلال و حرام را نکند خدا هم باکی ندارد که از کدام در به جهنمش اندازد^[۱]. همچنین پیامبر اکرم می‌فرمایند: هر کس مالی را از راه حرام کسب کند، اگر صدقه دهد از او قبول نمی‌شود و اگر پس‌انداز کند توشه جهنمش می‌شود^[۱].

محارم جمع شود، در حالی که خودش متوجه نباشد، که چه می‌کند، و شراب، کار نوشنده‌اش را به ارتکاب هر نوع شر و گناه می‌کشاند".

با شنیدن این تحلیل و مشاهده نمونه‌های خارجی، این نتیجه به دست می‌آید که شراب و هر نوع مست‌کننده‌ای روح انسانی انسان را می‌میراند و از او موجودی به مراتب بدتر و پست‌تر از حیوان می‌سازد که حتی به خانواده خود هم رحم نکرده و آنها را نیز مورد تعرض قرار می‌دهد.

آثار و پیامدهای روانی گناه از منظر قرآن و روایات

تکرار گناه و مدامت آن موجب تیرگی و واژگونی قلب و مسخ انسان از حالت انسانیت به حالت درنده‌خویی و حیوان‌صفتی می‌شود؛ قرآن مجید می‌فرماید: "ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا الشُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسیدند که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به سخریه و استهزا گرفتند".

در تاریخ بسیار دیده شده است که افرادی بر اثر تداوم گناه دارای امراض مختلف روانی شدند. مرض‌های روانی عبارتند از:

کینه و حسادت

یکی از پیامدهای گناه، کینه و حسادت است. فردی مبتلا به این بیماری با رفتار و گفتار ناپسند خود، آتش فتنه را روشن می‌کند و خانواده و اجتماع را به هم می‌ریزد و فساد و تباهی به بار می‌آورد و در نهایت مایه بدبختی خود و دیگران می‌شود^[3].

منشأ بیماری‌های فکری و روانی ملکات ناپسند و فساد اخلاقی است و منشأ بیماری جسم، امراض عفونی و غیرعفونی است. آثار و عوارض بیماری‌های اخلاقی به مراتب خطرناک‌تر و زیان‌بارتر از بیماری‌های جسمی است، چون اکثر بیماری‌های جسمی قابل سرایت را می‌توان با برنامه‌های بهداشتی به‌وسیله واکسن مهار کرد و از شیوع و انتقال آنها جلوگیری نمود و به مردم مصونیت داد، اما بیماری‌های اخلاقی و روانی با واکسن مهار نمی‌شود و مردم از ابتلا به آنها مصونیت پیدا نمی‌کنند. یک فرد فاسد و بداخلاق می‌تواند در اطرافیان خود اثر بد بگذارد، آنان را به فساد اخلاقی مبتلا سازد و فکر سالمشان را ناسالم کند. عوارض شخص بیمار جسمانی فقط خودش را زجر می‌دهد، ولی اثر شوم بیمار روانی دامنگیر جامعه نیز می‌شود. بیمار اخلاقی با رفتار و گفتار ناپسند خویش آتش فتنه و دشمنی را روشن می‌کند^[3].

جنگ‌ها و خونریزی‌ها، جرایم و جنایات و آلام و مصایب اجتماعی اغلب از بیماری‌های فکری و روانی و فساد اخلاقی سرچشمه می‌گیرند. این بیماران برای نیل به جاه و مقام و قدرت و ثروت به‌منظور ارضای غرایز و اقتناع تمایلات خویش به هر عمل خلاف و غیرانسانی دست می‌زنند و در راه رسیدن به تمنیات خود از ارتکاب جرایم و جنایات ابا‌ء ندارند^[3].

در واقع می‌توان گفت یکی از ریشه‌های اصلی بدبختی انسان حسادت و کینه است و به عبارت واضح‌تر، اولین قتل که در جهان

گناه و محرمات باعث ازبین‌رفتن قوه خودکنترلی و تقوا و توجه انسان به واقعیات زندگی و عدم درک صحیح مصالح خود می‌شود. برخی انسان‌ها از راه نوشیدن شراب یا مصرف مواد مخدر وارد دنیای بی‌خیالی و بی‌تفاوتی می‌شوند؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه، غفلت از محرومان، غفلت از آینده، غفلت از امکانات و استعدادها، غفلت از دشمنان، غفلت از نفس و شیطان. انسان امروز با آن همه پیشرفت در علم و تکنولوژی، در آتشی که از غفلت او سرچشمه می‌گیرد، می‌سوزد. آری، غفلت از خدا، انسان را تا مرز حیوانیت، بلکه پایین‌تر از آن پیش می‌برد؛ "أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَىٰكَ هُمْ الْعَافُونَ". امروزه استعمارگران برای سرگرم کردن و تخدیر نسل جوان، از همه امکانات برای اهداف استعماری خود سود می‌جویند.

از مهم‌ترین گناهان کبیره، شراب و قمار، هر دو عامل فساد جسم و روح و مایه غفلت هستند. لذا در قرآن در کنار هم مطرح شده‌اند. با تحریم شراب، از عقل و فکر، و با تحریم قمار، از آرامش و سلامتی روحی و اقتصادی پاسداری شده است. شراب دنیوی، عقل انسان را زایل می‌کند و او را به یاهوگویی و بیهوده‌گویی می‌کشاند، علاوه بر آن که موجب تحریک قوای جنسی شده و انسان را به گناه سوق می‌دهد. در تفسیر نمونه در باب زیان‌های شراب و قمار آمده است: گسترش فساد اخلاقی و بالا رفتن آمار جنایات از قبیل سرقت، ضرب و جرح، جرایم جنسی و افزایش خطرات و حوادث رانندگی. از یکی از دانشمندان نقل شده است که اگر دولت‌ها نیمی از شراب‌فروشی‌ها را ببندند، ما نیمی از بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها را می‌بندیم. قمار نیز از جمله عوامل هیجان، بیماری‌های عصبی، سکت‌های مغزی و قلبی، بالا رفتن ضربان قلب، بی‌اشتهایی و رنگ‌پریدگی و غیره است. همچنان که بررسی‌کنندگان، ۳۰٪ آمار جنایات را مرتبط با قمار دانسته‌اند. در ضمن قمار، در شکوفایی اقتصادی نقش تخریبی داشته و نشاط کار مفید را از بین می‌برد. در بعضی از کشورهای غیراسلامی نیز در سال‌هایی قمار را ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده‌اند. مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام کردند^[2].

امام صادق علیه‌السلام درباره علت حرمت خمر فرمودند: "وَأَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَزَمَهَا لِقَطْعِهَا وَ فَسَادِهَا وَ قَالَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ يورثُ إِلازْتِعَاشَ - وَ يذْهَبُ بِئورِهِ وَ يَهْدِمُ مَرْوَعَتَهُ وَ يَحْمِلُهُ عَلَىٰ أَنْ يَجْسُرَ عَلَىٰ الْمُحَارِمِ مِنْ سَفْكَ الدَّمَاءِ وَ زُكُوبِ الرُّنَا وَ لَآيُؤْمِنُ إِذَا سَكَرَ أَنْ يَثْبَغَ عَلَىٰ مَنْ حَزَمَهُ وَ لَآيَعْقِلُ ذَلِكَ وَ الْخَمْرُ لَآتَزِيدُ شَارِبَهَا إِلاَّ كَلَّ شَرًّا؛ و اما حرمت شراب به‌خاطر اثری است که شراب دارد، و فسادی که در عقل و در اعضای بدن می‌گذارد، آن گاه فرمود: دائم‌الخمر مانند کسی است که بت می‌پرستد، و شراب او را دچار ارتعاش ساخته نور ایمان را از او می‌برد، و مروتش را منهدم می‌سازد، وادارش می‌کند به این که هر گناهی چون قتل نفس، و زنا را مرتکب شود، او حتی ایمن از این نیست که در حال مستی با

بی‌حفاظ است، در حالی که بی‌حفاظ نبود آنها فقط می‌خواستند از جنگ فرار کنند.

عمده به‌خاطر فزونی لشکر دشمن آن چنان وحشت کرده بودند که هرگز تاب و توان مقاومت را نداشتند و سخت در درد و رنج بودند که چگونه از پیامبر اجازه می‌گیرند و پا به فرار بگذارند^[4]. جالب این که پیامبر به افراد ضعیف‌الایمان و ترسو اجازه بازگشت به مدینه را داد؛ چرا که اگر می‌ماندند نه‌تنها کاری از آنها ساخته نبود، بلکه بذر ضعف و سستی را در دل دیگران می‌پاشیدند^[4].

از این آیه معلوم می‌شود که یکی از پیامدهای جبن، درد و رنج است که مستقیماً بر روح و تبعاً بر جسم انسان اثر خواهد کرد. نفس و بدن انسان به قدری با یکدیگر مرتبط و متحدند که حالات نیک و بد هر یک در دیگری اثر می‌گذارد؛ این مطلب مورد قبول کلیه دانشمندان دنیوی و امروز جهان است.

بدن آدمی تحت تاثیر حالات روان است و روان تحت تاثیر حالات بدن است. کسی که دچار نگرانی و تشویش خاطر است و در ضمیر خود احساس ناراحتی و بی‌قراری می‌کند، خواه ناخواه این حالت روانی آثار نامطلوبی روی بدن او می‌گذارد و جسم وی را از مسیر سلامت و اعتدال منحرف می‌کند^[3].

حضرت علی می‌فرماید: "اللهم یذیب الجسد؛ آتش اندوه و غم، بدن آدمی را مانند فلز مذاب آب می‌کند^[5]، و نیز می‌فرماید: "و عنها اللهم نصف الهرم؛ اثر غصه و غم، انسانی نیرومند را ناتوان می‌کند و در جوانی او را فرسوده و نیمه‌پیر می‌سازد^[6]". در نتیجه ناراحتی عصبی، نگرانی، ترس، ناامیدی، قتل و غارت، گناهان زیاد و سایر هیجان‌های درونی سبب درد و رنج انسان می‌شود.

سوءظن

بدگمانی هنگامی که به‌صورت یک حالت درونی درآید، از مهم‌ترین ردای اخلاقی است که موجب ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها و جوامع انسانی می‌شود. نخستین ثمره شوم بدگمانی عدم اعتماد است. هنگامی که اعتماد از میان رفت، جوامع انسانی به جهنم سوزانی تبدیل می‌شود که از همدیگر می‌ترسند و در فکر خنثی‌کردن فعالیت یکدیگرند. قرآن می‌فرماید: "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است."

حتی بعضی از سوءظن‌ها منجر به قتل و خونریزی می‌شود. مخصوصاً در مواردی که افراد سوءظن به نوامیس خود پیدا کنند، یا گمان کنند که دیگران در پی اموال یا نوامیس آنها هستند، به گونه‌ای که می‌توان گفت عامل اصلی بسیاری از پرونده‌های جنایی سوءظن‌های بی‌جا است که بیگناهان را هدف‌گیری کرده است^[4]. امام‌علی می‌فرماید: "سوء الظن یفسد الأمور و یبعث علی الشرور؛ سوءظن کارها را به فساد می‌کشد و مردم را به انواع بدی‌ها وادار می‌کند^[5]".

سوءظن پیامدهای ناروای زیادی دارد، از جمله از میان رفتن اعتماد، سلب‌شدن آرامش، کشیده‌شدن به گناهان دیگر و ازدست‌دادن

بین اولاد آدم صورت گرفت، ریشه‌اش بیماری حسد بود. قرآن مجید می‌فرماید: "وَ اِنَّ لَ عَلَیْهِمْ نَبَأَ ابْنِیْ اٰدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبٰنًا فَتَقَبَّلَ مِنْ اٰحَدِهِمَا وَ لَمْ يَنْتَقِبْ لَ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَ اَقْتُلْتٰكَ قَالَ اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ لَیْنِ لَّیْسَ بِسَطٰتٍ اِلَیَّ یَدَّكَ لِتَقْتُلُنِیْ مَا اَنَا بِبَاسٍ بِیَدِیْ اِلَیْكَ لِاَقْتُلْتٰكَ اِنِّیْ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعٰلَمِیْنَ اِنِّیْ اُرِیْدُ اَنْ تَتَّوَعَّ بِاِثْمِیْ وَ اِثْمِکَ فَتَكُوْنُ مِنَ اَصْحَابِ النَّارِ وَ ذٰلِکَ جَزَاءُ الظّٰلِمِیْنَ فَطَوَّعَتْ لَهٗ نَفْسُهٗ قَتْلَ اَخِیْهِ فَفَتَلَهٗ فَاَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِیْنَ فَبَعَثَ اللّٰهُ غُرَابًا یَبْحَثُ فِی الْاَرْضِ لِیُرِیْہٗ کَیْفَ یُوَارِیْ سُوْءَۃَ اَخِیْہٖ قَالَ یٰ وَاٰلِیٖنَا اَعْجَزْتَ اَنْ اَکُوْنُ مِثْلَ هٰذَا الْغُرَابِ فَاُوَارِیْ سُوْءَۃَ اَخِیْ فَاَصْبَحَ مِنَ التّٰدِمِیْنَ؛ و داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان! هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: (به خدا قسم تو را خواهم کشت). برادر دیگر گفت: من چه گناهی دارم، زیرا خدا تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد. اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی من هرگز به قتل تو دست نمی‌گشایم، چون از پروردگار جهان می‌ترسم. این بغض و حسد کم‌کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد و (سرانجام) او را کشت و از جمله زیان‌کاران شد."

و در داستان یوسف و برادرانش که حضرت یعقوب زمین‌گیر شد، منشأش همان حسد بود. قرآن می‌فرماید: "قَالَ یٰ بُنَیَّ لَا تَقْضُ زُؤْیَاکَ عَلٰی اِخْوَتِکَ فِیْکِیْدُوْا لَکَ کِیْدًا اِنَّ الشَّیْطٰنَ لِلْاِنْسٰنِ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ؛ فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه (خطرناکی) می‌کشند، چرا که شیطان دشمن آشکار انسان است."

در واقع این سرگذشت فرزندان آدم و حضرت یوسف نمونه‌ای است از نزاع و جنگ مستمری که همیشه در زندگانی بشر بوده است. در یک سو مردان پاک و باایمان و در سوی دیگر افراد آلوده و منحرف با یک مشت کینه‌توزی و حسادت و تهدید؛ چه بسا انسان‌های پاک توسط آنان به شهادت رسیده‌اند^[4].

درد و رنج

تشویش خاطر و ناراحتی‌های فکری، در زندگی بشر، یکی از بزرگ‌ترین عوامل تیره‌روزی و بدبختی است. کسانی که بر اثر ترس، حقارت، شکست، ناامیدی، ضعف، نارسایی و نظایر اینها نگران و مضطربند و از احساس آن حالات روانی همواره رنج می‌برند، اگر در فکر درمان خویش نباشند و خود را از فشارهای سنگین و طاقت‌فرسای او خلاص نکنند، زندگی بر آنان تلخ و غیرقابل تحمل خواهد بود و ممکن است سرانجام به عوارض گوناگون دچار شوند^[3].

قرآن مجید می‌فرماید: "وَ اِذْ قَالَتْ طٰوِیْمَةُ مِنْهُمْ یٰۤا هٰٓءلَآءِ یٰۤا تَرِبَ لَا مَقٰمَ لَکُمْ فَاِجْعُوْا وَ یَسْتَاۤدُوْنَ فَرِیْقٌ مِنْهُمْ النَّبِیُّ یَقُوْلُوْنَ اِنَّ بُیُوْتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِیَ بِعَوْرَةٍ اِنَّ یُرِیْدُوْنَ اِلَّا فِرًاۗءًا؛ و نیز به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها (منافقان) گفتند: ای مردم مدینه اینجا جای توقف شما نیست، به خانه‌های خود برگردید! و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما

در هم می‌شکنند و او را به ذلت می‌کشاند، زیرا برای کامیابی‌های شهوانی باید تمام قید و بندهای اجتماعی را شکست و تن به هر پستی داد و این کار باعث رسوایی و آشکارشدن عیوب آن شخص می‌شود^[4]. قرآن مجید می‌فرماید: "وَاللَّهُ يَرِيذُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يَرِيذُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا؛ خداوند می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنهایی که پیرو شهوات هستند می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید".

امام علی می‌فرماید: "الجاهل عبد شهوته؛ انسان نادان، بنده شهوت خویش است"^[5]، یعنی انسان جاهل مثل برده، خوار و ذلیل است که در برابر شهوت خویش هیچ اختیاری از خود ندارد، این سبب می‌شود که عیوب درونی‌اش آشکار شود.

۳- غضب: یکی از مواردی که عیوب پنهانی انسان ظاهر می‌شود غضب است، زیرا در حال عادی هر کسی خود را کنترل می‌کند تا عیوب و نقاط ضعف خویش را پنهان دارد و آبرویش را در برابر این عیوب که تقریباً همه کم و بیش دارند حفظ نماید، اما هنگامی که آتش خشم و غضب شعله‌ور می‌شود پرده‌ها کنار می‌رود و کنترل عقل کنار می‌رود و عیوب مخفی انسان آشکار شده و آبروی انسان بر باد می‌رود^[4].

قرآن مجید می‌فرماید: "وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ؛ همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می‌ورزند و هنگامی که خشمگین شوند عفو می‌کنند". ذکر غضب بعد از اجتناب از گناهان بزرگ و اعمال زشت شاید به این جهت باشد که سرچشمه بسیاری از گناهان، حالت غضب است که زمام نفس را از دست عقل بیرون می‌برد و آزادانه به هر سو می‌تازد^[4] و در نتیجه، غضب علاوه بر این که باعث آشکارشدن عیوب انسان می‌شود، باعث زوال عقل و نابودی ایمان نیز می‌گردد.

پیامدهای جسمانی گناه از منظر قرآن و روایات

قرآن مجید می‌فرماید: "وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَ بَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ کسانی که کسب گناه می‌کنند در برابر آن مجازات می‌شوند". این آیه گنهکاران را تهدید به سرنوشت شومشان می‌کند که ممکن است به سراغشان بیاید. قرآن تعبیر به کسب گناه کرده است که تعبیر جالبی است؛ این نشان می‌دهد که رفتار انسان‌ها همچون سرمایه‌داران است که در این جهان به بازار بزرگی گام می‌نهند که سرمایه‌هایشان هوش، عقل، عمر، جوانی و نیروهای گوناگون خدادادی است. بیچاره آنها که به جای تحصیل سعادت و کسب افتخار و شخصیت و تقوی، تحصیل گناه می‌کنند^[4].

اضطراب

به لحاظ این که اضطراب را حالتی هیجانی می‌دانند و هر هیجانی مستلزم یک مولفه روانی و مولفه بدنی است، لذا اضطراب از آثار و عوارض جسمی خالی نیست که مهم‌ترین آنها عبارتند از: درهم‌ریختگی وضع عضلات و ماهیچه‌ها، عوض شدن وضع شکل و

دوستان. سوءظن یک فکر انحرافی است که تدریجاً در سایر افکار انسان نیز اثر می‌گذارد و تحلیل‌های او از حوادث نادرست می‌شود و از رسیدن به واقعیت‌ها که زمینه پیشرفت و موفقیت است باز می‌ماند. حضرت علی می‌فرماید: "مَنْ سَاءَ ظَنُّهُ سَاءَ وَهْمُهُ؛ کسی که سوءظن داشته باشد تفکر او خراب می‌شود"^[5].

آشکارشدن عیوب

از جمله آثار گناه این است که عیوب انسان آشکار شده و در میان مردم رسوا می‌شود. قرآن مجید می‌فرماید: "و هرگز عیب‌های خود را برملا نکنید (اگر عیب یکی از خودتان را برملا کنید در واقع عیب خود را برملا کرده‌اید) و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید".

فاش‌کردن عیب یک نفر در حقیقت فاش‌کردن عیب خود انسان است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: "وَيَلِّ لِكُلِّ هُمْزَةً لَمْزَةً؛ وای بر هر عیب‌جوی مسخره‌کننده" (سوره همزه، آیه ۱). امیرالمومنین علی^(ع) می‌فرماید: «مَنْ تَتَبَعَ عَوْرَاتِ النَّاسِ كَلَى اللَّهُ عَوْرَتَهُ؛ هر که عیوب دیگران را اظهار کند، خداوند عیوب او را کشف و او را رسوا می‌کند"^[5]. بنابراین کسی که قلب و روح خویش را از این عیوب و رذایل اخلاقی پاک نکند، عیوب بدش او را رسوا می‌نماید.

۱- دروغ‌گفتن: یکی از گناهان است که باعث رسوایی انسان می‌شود. این یک واقعیتی است که هر کس در زندگی از حال دروغگویان خبر داشته باشد و با زندگی آنان آشنا باشد به حقیقت آن پی می‌برد. امام‌صادق می‌فرماید: "ان مما اعان الله علی الکذابين النسيان؛ از مجازات دروغگویی این است که خداوند فراموشی را بر او مسلط می‌کند"^[7].

قرآن مجید می‌فرماید: "فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ؛ و به‌خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند عذاب دردناکی در انتظار آنهاست". شاید یکی از عذاب‌های دروغگویان رسوایی و بی‌آبروشدن است. در نتیجه دروغ آثار زیان‌باری دارد، از جمله رسوایی و بی‌آبرویی، کشیده‌شدن به گناهان دیگر، اثر آن به سایر اعمال انسان و بی‌بهره‌شدن علوم و فنون شخص دروغگو.

۲- شهوت‌پرستی: طبق نظر کارشناسان حقوقی "شهوت‌پرستی" در ایجاد جرم و جنایت نقش عمده‌ای دارد، تا جایی که گفته شده: "در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز دخیل بوده است. شاید این تعبیر مبالغه‌آمیز باشد، ولی به یقین منشأ بسیاری از جنایات و انحرافات بوده است و خون‌های بسیاری در این راه ریخته شده است و اموال فراوانی بر باد رفته و آبروی بسیاری از آبرومندان در این راه ریخته شده است"^[4]. تاریخ بشر مملو از شرح حال زندگی کسانی است که در جامعه دارای مقام و منزلت و موقعیت ممتاز بودند، ولی هنگامی که اسیر شهوت شدند، کارشان به رسوایی کشید، از جمله برصیصای عابد و زلیخا همسر عزیز مصر که با وجود احترام فراوان به علت هواپرستی رسوایی خاصی به بار آوردند^[4]. بله! شهوت‌پرستی شخصیت و احترام اجتماعی انسان را

کشت و خود پیاده برای نفرین رفت، ولی جریانی دید که نتوانست نفرین کند و بالاخره به نزد حاکم برگشت و گفت: راهی برای نفرین اینها نیست، اما من برای نابودساختن اینها راه دیگری به شما نشان می‌دهم و آن راه این است که زنان زناکار و فواحش را زینت کنید و به‌عنوان خرید و فروش میان آنها بفرستید. به دستور بلعم بن باعور این کار را اجرا کردند و در نتیجه رفت و آمد زنان زناکار لشکریان یوشع با زنان درآمیختند. به نوشته مورخین در نتیجه شیوع این عمل در میان لشکریان مزبور مرض طاعون در فاصله چند روز هفتاد یا نودهزار نفر را آلوده به طاعون کرد و بسیاری از آنها را نابود نمود.

۳- خوردن گوشت خوک: قرآن مجید می‌فرماید: "إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ خداوند خوردن گوشت مردار، خون، گوشت خوک و... را حرام کرده است." خوردن گوشت خوک انسان را مریض می‌کند و از جمله خوردن گوشت خوک سبب داء‌الفیل و درد مفاصل، فساد عقل و معده و زایل‌کننده عقل و غیرت است [10].

در این حیوان "تریکن" وجود دارد که کرم کوچکی است که طبق بررسی‌های علمی در مدت یک ماه می‌تواند به تعداد ۱۰ تا ۱۵ هزار تخم‌گذاری کند. به محض خوردن گوشت خوک اثرات منفی در معده شروع می‌شود، ابتدا گلبول‌های سرخ شروع به زیاد شدن کرده، سپس به‌تدریج از بین می‌روند، تا جایی که در اثر کمی گلبول شخص دچار مرض کم‌خونی شده و در نهایت حیاتش خاتمه می‌یابد [10]. در نتیجه هر حیوانی که خداوند به هر نحوی خوردن آن را حرام کرده است بدون حکمت و فلسفه نیست، بلکه حتماً بر جسم و جان مضر بوده است.

۴- ضعف و ناتوانی: قرآن مجید می‌فرماید: "وَ مَا أَصَابَكُم مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛ هر مصیبتی به شما رسد به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید."

یکی از پیامدهای ناگوار گناه ضعف و ناتوانی است که گناهان زیادی باعث ضعف جسمانی و روحی می‌شود. از جمله شراب‌خوردن که زبان‌های جسمی زیادی دارد و آثار سوء آن در معده، روده‌ها، جگر، شش، سلسله اعصاب، شریان‌های قلب و حواس و غیره مشخص می‌شود.

اثر الکل در اعصاب: موجب تولید امراض مختلفی می‌شود، از قبیل بیماری‌های روحی و روانی، ناراحتی‌های فکری و بیماری‌های جسمی مانند رعشه در دست‌ها و پاها و عدم توانایی کنترل اعضا و مورمورشدن بدن و ضعف حواس ظاهره و باطنه که در نتیجه موجب ضعف و بی‌حالی می‌شود.

اثر الکل در قلب: الکل چون در خون اثر می‌کند، کم‌کم آن را فاسد کرده، عمل تغذیه اعضا مختل می‌شود. مقدار زیادی چربی اطراف قلب را گرفته، آن را سنگین می‌کند و حجمش را زیاد می‌گرداند و در نتیجه حرکات قلب ضعیف می‌شود و نبض معتادین بدان، غالباً آهسته و غیرمنظم است.

قیافه که ناشی از اختلالات حرکتی است که براساس این بی‌نظمی بدن دچار لرزش، عدم کنترل تعادل در حرکت و راه‌رفتن، پیدایش تپش قلب و احساس گرفتگی در سینه می‌شود که این خود زمینه‌ساز بیماری‌های روحی و عصبی، خستگی مداوم و غیره است [8].

امام علی می‌فرماید: "الحزن يهدم الجسد؛ غم و اندوه تعادل جسم انسان را بر هم می‌زند و بدن آدمی را ویران می‌کند" [5]. و نیز ایشان می‌فرماید: "المريب ابدأً عليل؛ کسانی که همه چیز و همه کس را به چشم تردید و بدگمانی نگاه می‌کنند، همواره علیل و بیمارند" [5]. در نتیجه این که عقده‌ها، غصه‌ها، ترس‌ها، نگرانی‌ها، خلاصه ناراحتی‌های روحی و هیجان‌های درونی علاوه بر آن که باعث اختلال فکر و تشویش خاطرند در بدن انسان نیز آثار بدی دارند و مزاج را از صراط مستقیم صحت و اعتدال منحرف می‌کنند و منشأ بیماری‌های مختلفی می‌شوند [9]. قرآن می‌فرماید: "فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ؛ قلب‌های منافقین آلوده به مرض است."

شهوت‌پرستی

۱- لواط: یکی از گناهان که باعث بیماری انسان و در نهایت منجر به مرگ می‌شود، همجنس‌گرایی است، قرآن مجید می‌فرماید: "إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّشْرِفُونَ؛ شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید و از زنان صرف نظر می‌کنید." امروز دانشمندان قائل هستند که ویروس ایدز از طریق خون یا معاشرت به انسان دیگر منتقل می‌شود. در جامعه‌ای که فحشاء و همجنس‌بازی رایج است، مبتلایان به این مرض بیشتر هستند. شبکه سی.ان.ان آمریکایی با استناد از آخرین تحقیقات وزارت بهداشت ایالات متحده اعلام کرد در هر ۱۳ دقیقه یک نفر در ایالات متحده به ویروس مهلک ایدز مبتلا می‌شود [9].

با این امکانات بهداشتی که در ایالات متحده است، پزشکان و داروهای پیشرفته و انواع امکانات، باز هم مشاهده می‌کنیم که انواع امراض جنسی در این کشور وجود دارد و نه تنها وجود دارد بلکه روزبه‌روز رو به افزایش است. این بیانگر انواع گناه و فحشاء و همجنس‌گرایی در کشور است. براساس تحقیقات انجام شده، شهر سانفرانسیسکو در کالیفرنیا که به پایتخت همجنس‌بازان در ایالات متحده شهرت یافته است، از بالاترین درصد مبتلایان به ویروس ایدز برخوردار است [9]. این عمل شنیع جزء زشت‌ترین و پلیدترین اعمال است.

۲- زنا: قرآن کریم می‌فرماید: "وَ لَا تَقْرُبُوا الرِّزْيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا؛ نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و بد راهی است." اهل تاریخ نوشته‌اند که موسی در وادی تپه از دنیا رفت. یوشع بن نون وصی او، بنی‌اسرائیل را به همراه خود برداشت و برای فتح شهرهای شام حرکت کرد. چون بدانجا رسید و شهر را محاصره کرد، حاکم شهر، بلعم بن باعور را که در اثر عبادت مستجاب‌الدعوه بود خواست و به او گفت: باید بروی و بر یوشع و لشکریانش نفرین کنی. بلعم بن باعور برخاست و بر الاغ خود سوار شد و به راه افتاد ولی الاغ اطاعت او را نکرده و بالاخره آن حیوان را زیر ضربات شلاق

فقرا بسیار زیاد است. متاسفانه هنوز هم در بعضی بانک‌های کشور، بانکداری اسلامی به نحو احسن اجرا نمی‌شود و بعضی از بانک‌ها به بنگاه‌های تجاری سودآور برای عده‌ای خاص تبدیل شده است و منافع عمومی مردم را در نظر نمی‌گیرند.

با عنایت به آیه ۲۷۵ سوره بقره، رباخوار به کسی تشبیه شده که شیطان او را خبط کرده است و رباخوار در قیامت همچون دیوانگان محشور می‌شود، چرا که در دنیا روش او باعث به‌هم‌خوردن تعادل جامعه شده است. ثروت‌پرستی، چشم‌عقلش را کور کرده و با عمل خود چنان اختلافات طبقاتی و کینه را برمی‌انگیزد که فقر و کینه سبب انفجار شده و اصل مالکیت را نیز متزلزل می‌کند. برای این افراد، گویا ربا اصل و خرید و فروش فرع است، فلذا می‌گویند: بیع و معامله هم مثل ریاست و تفاوتی ندارند. رباخواران از تعادل روحی و روانی برخوردار نیستند و جامعه را نیز از تعادل اقتصادی خارج می‌سازند.

گاهی امور اقتصادی زمینه گناه می‌شود که این زمینه‌ها بر دو گونه هستند: سرمایه و ثروت، و فقر و تهیدستی؛ گاهی انسان از بی‌پولی طغیان می‌کند و گاهی بر اثر ثروت زیاد و بادآورده طغیان می‌نماید.

آیات و روایات در این باره بسیار است. سخن ما این است که سرمایه و ثروت گاهی زمینه‌ساز فساد و گناه می‌شود، نه این که دلیل فساد و گناه باشد آن گونه که کمونیست‌ها می‌گویند. و فرق است بین زمینه و علت. به عبارت روشن‌تر، سرمایه علت گناه نیست بلکه در مواردی انسان را متمایل و مشتاق گناه می‌کند.

در قرآن می‌خوانیم: "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ"؛ همانا انسان طغیان می‌کند، به خاطر این که خود را بی‌نیاز می‌بیند. این آیه نمی‌گوید که داشتن پول و ثروت علت و عامل فساد است، بلکه می‌گوید اگر انسان خودش را بی‌نیاز و پولدار ببیند یا غی می‌شود. ولی اگر این دید و بینش را نداشته باشد سرمایه علت فساد نخواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): "أَزْبَعُ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا حَرِبَ وَ لَمْ يَعْزَمْ بِالْبَرَكَةِ الْخِيَانَةُ وَ السَّرِقَةُ وَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَ الرِّزَا؛ چهار چیز است که هر یک از آنها در خانه‌ای درآید ویرانش کند و به برکت آباد نشود: خیانت و دزدی و میخواری و زنا". همچنین ایشان فرمودند: "امانت ثروت آورد و خیانت درویشی و هر گروهی ربا میانشان رواج گیرد به قحطی مبتلا شوند، و هر گروهی رشوه میانشان رواج گیرد به ترس دچار شوند"^[1].

رباخواری یکی از عوامل اصلی فقر و اختلاف طبقاتی است. همان گونه که می‌دانیم یکی از عوامل فحشاء، فقر و فشار اقتصادی است که سبب شکست جوانان در تشکیل خانواده و کشانیده شدن آنها به فساد است. اگر ریشه فقر خشکانیده شود، لااقل بخش مهمی از فحشاء و فساد اخلاقی از میان خواهد رفت. آنها که مقدمات فقر را در جامعه فراهم می‌سازند، در فساد و انحراف اخلاقی آن شریک هستند و عمل آنها با چندین برابر عمل منافی عفت برابری می‌کند. لذا در بسیاری از روایات رباخواری با اعمال

یکی از گناهان که انسان را ضعیف و ناتوان می‌کند استمناء است. این عمل، انسان مبتلا بدان را به ضعف قوای شهوانی دچار می‌کند. چه بسا اشخاصی هستند که در بحبوحه جوانی بر اثر ابتلا به چنین مرضی دچار ضعف قوای روحی و جسمی می‌شوند که دیگر نه توان خواندن دارند و نه توان کارکردن، و این عمل اثر مستقیم با حواس پنجگانه دارد؛ در درجه اول در چشم و گوش اثر می‌گذارد، بدین معنی که دید چشم را ضعیف کرده و حس سامعه را نیز تا اندازه قابل توجهی از کار می‌اندازد و در حال حرکت جلوی چشمشان تاریک شده و دچار سرگیجه می‌شوند و به زمین می‌افتند. همچنین به‌طور مداوم صدای ناهنجاری را در گوش خود احساس می‌کنند که بسیار ناراحت‌کننده است. علاوه بر اینها تحلیل‌رفتن قوای جسمانی و روحانی، کم‌شدن خون، پریدگی رنگ، نقصان قوای حافظه، لاغری، ضعف و سستی زیاد از حد، بی‌اشتهایی و کج‌خلقی و غیره، همه اینها در مبتلایان به بیماری استمناء مشاهده می‌شود.

کوتاهی عمر و هلاکت انسان

یکی از آثار گناه و اعمال زشت، این است که عمر انسان کوتاه می‌شود و در نهایت به هلاکت می‌رسد. امام صادق می‌فرماید: "من یموت بالذنوب اکثر ممن یموت بالأجال"؛ عده‌ای که به واسطه گناهانشان می‌میرند بیش از کسانی هستند که به عمر طبیعی از این جهان می‌روند"^[1].

یکی از گناهان که باعث کوتاهی عمر می‌شود، قطع رحم است. قطع رحم به معنی بریدگی از خویشاوندان و آشنایان و فراموش کردن آنها است که باعث نابودی و کوتاهی عمر می‌شود. امام علی می‌فرماید: "و ان الیمین الکاذبه و قطعیه الرحم لتنذران الدیار بلاقطع من أهلها؛ قسم دروغ و قطع رحم خانه‌ها را ویران و خالی از اهل و خانمان می‌گرداند و باعث می‌شود که آنها بمیرند و عمرشان کوتاه شود"^[7].

آثار و پیامدهای اجتماعی گناه از منظر قرآن و روایات به‌هم‌خوردن تعادل جامعه و ایجاد اختلافات طبقاتی و پیدایش فقر و قحطی

ربا تعادل جامعه را به هم زده و موجب تقسیم جامعه به دو قطب مستکبر و مستضعف می‌شود. سفارش به انفاق و منع از اسراف و تبذیر، بهترین راه برای حل اختلافات طبقاتی است. همچنان که پیدایش و گسترش ربا، زمینه‌ساز و به‌وجودآورنده طبقات است. لذا در قرآن آیات لزوم انفاق و تحریم ربا در کنار هم آمده است^[11]. همچنین ربا دهنده به جهت بدهی‌های تصاعدی، گاهی ورشکست و مجبور به قبول انواع ذلت‌ها و اسارت‌ها می‌شود. از این رو وجود ربا در سیستم بانکی، زینده نظام اسلامی نیست، زیرا ربا علاوه بر حرمت شرعی، تزریق لقمه حرام به جامعه است و بانک‌ها باید از آلوده شدن به آن خودداری کنند.

اگر برنامه‌های بانکداری اسلامی به نحو احسن و مطابق با شرع مقدس اجرا شود، آثار و برکاتش برای همگان به‌خصوص ضعفا و

منافی عفت مقایسه شده و از آن بدتر شمرده شده است.

پیدایش دشمنی و کینه بین اشخاص و در نتیجه بزهکاری در جامعه

وجود دشمنی و کینه بین افراد جامعه زمینه‌ساز بزهکاری و هنجارشکنی است. از این رو بین گناه و بزهکاری از این جهت رابطه وجود دارد. خداوند می‌فرماید: "إِنَّمَا يَرِيذُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضْذَكِّمَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟" همانا شیطان می‌خواهد به‌وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفاصد) آیا دست برمی‌دارید؟".

با آن که طبق آمار که ارائه می‌شود، بسیاری از قتل‌ها، جرایم، تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و غیره ناشی از شراب است، اما قرآن در این آیه در بیان فلسفه تحریم، روی دو نکته تاکید دارد: یکی ضرر اجتماعی یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا. این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قمار را بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته است [12].

در ربا نیز گرفتن پول اضافی، بدون انجام کاری مفید یا مشارکت در تولید، نوعی ظلم و اجحاف است که موجب پیدایش دشمنی و قساوت می‌شود. آیات مربوط به ربا، به‌دنبال آیات انفاق آمده تا دو جهت خیر و شر را که توسط مال و ثروت پدید می‌آید مطرح کند. انفاق یعنی دادن بلاعوض و ربا یعنی گرفتن بلاعوض. هر آثار خوبی که انفاق دارد، مقابلش آثار سوئی است که ربا در جامعه پدید می‌آورد [12]. در تفسیر کبیر فخر رازی آمده است: وقتی رباخوار، عواطف و عدالت انسانی را در خود محو کند، خود و اموالش مورد نفرین فقرا قرار می‌گیرد و کینه و انتقام و توطئه سرقت هر لحظه او را تهدید می‌کند و این نمونه‌ای از آن نابودی است که در آیه مطرح شده است.

همچنین آیه ۲۷۶ سوره بقره می‌فرماید: "يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَتَيْمٍ؛ خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد".

یادآور می‌شود که هرچند رباخوار به قصد انباشت ثروت از دیگران ربا می‌گیرد، ولی خداوند برکت و آثار خوبی که باید ازدیاد مال داشته باشد از ربا می‌گیرد. لازم نیست خود مال زبوی از بین برود، بلکه اهدایی که از افزایش ثروت در نظر است از بین می‌رود. در نظام زبوی، سعادت، محبت و امنیت نیست و چه بسیار ثروتمندانی که از سرمایه خود، هیچ نوع راحتی و آرامش یا محبوبیتی به دست نمی‌آورند، ولی در نظامی که در آن انفاق، صدقه و قرض‌الحسنه رایج باشد، آن جامعه از برکات زیادی برخوردار است. در آن نظام، فقرا مایوس نبوده و اغنیا در فکر تکاثر نیستند. محرومان به فکر انتقام و سرقت، و اغنیا نگران حراست و حفاظت اموال خود نیستند و جامعه از یک تعادل نسبی همراه با الفت و رحمت و تفاهم و امنیت برخوردار خواهد بود.

بنابراین نظام اقتصادی براساس ربا رو به نابودی است و نابودکردن مال ربوی، از سنت‌های الهی است. رباخوار، بسیار ناسپاس و گنهکار است. او با گرفتن ربا خود را ضامن مردم، زندگی خود را حرام، عبادتش را باطل، و حرص و طمع قساوت را بر خود حاکم می‌گرداند و در نتیجه رباخوار، از رحمت و محبت الهی محروم است [12].

طبق آیه ۱۳۰ سوره آل‌عمران، رستگاری با رباخواری به دست نمی‌آید، بلکه با تقوا حاصل می‌شود و رباخوار، نه در دنیا رستگار است، (به‌خاطر تشدید اختلافات طبقاتی که منجر به تفرقه و کینه محرومان و انفجار آنها می‌شود) و نه در آخرت (به‌خاطر گرفتاری به قهر خداوند) [12].

بنابراین در آیه شریفه فلاح و رستگاری نتیجه دوری از ربا و پرهیزکاری آمده است. همان گونه که در آیه ۹۰ سوره مائده آمده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید تا رستگار شوید".

نتیجه‌گیری

سلامت روانی و رضایت از زندگی، از ویژگی‌های فرد سالم است. بنابراین تلاش جهانی در جهت فراهم کردن یک بستر مناسب برای زندگی عاری از بیماری تنها معطوف به پیشگیری و درمان بیماری‌هایی همچون بیماری‌های قلبی و عفونی و غیره نمی‌شود، بلکه علاوه بر سلامت جسمانی، توجه ویژه‌ای به فراهم کردن محیطی آرام برای آرامش درونی و سلامت روانی افراد شده است. با وجود پیشرفت‌های سریع در جهت حل مشکلات جسمی انسان‌ها، علم پزشکی هنوز گامی موثر در جهت حل مشکلات روحی- روانی انسان‌ها برداشته است، این در حالی است که مشکلات روانی نقش مهمی را در ایجاد بیماری‌های جسمی نیز ایفا می‌کند. دین با مکانیزم‌های گوناگون موجب سلامت روانی فرد و جامعه می‌شود. نمونه‌هایی از سلامت روانی ناشی از دین شامل وجود امید، انگیزه و مثبت‌نگری در دین، ایجاد شبکه حمایتی عاطفی و اجتماعی، دادن پاسخ روشن و قاطع به مفهوم خلقت، جهان و زندگی، تبیین و تعریف لذت‌بخش و معقول از رنج، درد و محرومیت و مکانیزم‌های بسیار دیگر است. به‌طور کلی تاثیر دین و باورهای دینی در سلامت فرد و جامعه بسیار پراهمیت است و منجر به دوری فرد از گناه و پیامدهای روانی، معنوی، جسمانی و اجتماعی آن است. مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که می‌توان در گرو اعتقادات و اعمال صالح و اخلاقی پسندیده به یک آرامش روانی دست یافت و انسان معتقد را به یک انسان سرزنده و بشاش که همیشه در حال تلاش و تکاپوست تبدیل کرد؛ انسانی که در ارتباط با جامعه خود است و در هر زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سعی بر آن دارد که با توجه به توانایی‌های خودش بهترین باشد.

- Volumes 2 and 103. 3rd Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah; 1995. [Arabic]
- 2- Qara'ati M. Sinology. 10th Edition. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an; 2010. [Persian]
- 3- Falsafi MT. Philosophical Discourse. Tehran: Islamic Culture Publication Office; 2004. [Persian]
- 4- Makarem Shirazi N. The ideal commentary. Volumes 2, 3 and 4. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah; 1995. [Persian]
- 5- Al-Amedi al-Tamimi Abd al-Wahed. Favorites of wisdoms and pearls of words (Qorar al-hekam wa dorar al-kelam). Beirut: Al-A'alami Lel-Matboo'at Institute; 1987. [Arabic]
- 6- Seyyed Razi Mohammad ibn Hossein. The way of eloquence (Nahj al-balagha). Dashti M, translator. 16th Edition. Qom; Mohammad-e-Amin; 2017. [Persian-Arabic]
- 7- Koleini Mohammad ibn Yaqoob. The adequate principles (Usul al-kafi). Volume 2. 4th Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah; 1986. [Arabic]
- 8- Ghaemi A. The issue of children's fear and anxiety. 1st Edition. Tehran: Amiri; 1997. [Persian]
- 9- Mohammadinia A. What a woman should know. 10th Edition. Varamin: Saheb al-Zahra; 2003. [Persian]
- 10- Eftekharian SJ. Quran and sciences of the day. Tehran: Eftekharian's Publication; 1983. [Persian]
- 11- Tabatabaei SMH. The balance in interpretation of Quran (Al-mizan fi tafsir al-Quran). Volume 2. 5th Edition. Mousavi Hamedani MB, translator. Qom: Islamic Publications Office; 1995. [Persian-Arabic]
- 12- Qara'ati M. The interpretation of light. 6th Edition. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur'an; 2011. [Persian]

بنابراین آثار و پیامدهای معنوی گناه از منظر قرآن و روایات، سقوط در پرتگاه ضلالت و گمراهی و غفلت از یاد خدا است. آثار و پیامدهای روانی گناه از منظر قرآن و روایات، کینه و حسادت، درد و رنج، سوءظن و آشکارشدن عیوب است. پیامدهای جسمانی گناه از منظر قرآن و روایات، اضطراب، شهوت‌پرستی و کوتاهی عمر و هلاکت انسان است و نهایتاً آثار و پیامدهای اجتماعی گناه از منظر قرآن و روایات، به‌هم‌خوردن تعادل جامعه و ایجاد اختلافات طبقاتی و پیدایش فقر و قحطی و پیدایش دشمنی و کینه بین اشخاص و در نتیجه بزهکاری در جامعه است.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

سهم نویسندگان: علی فرمان (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/روش‌شناسی/پژوهشگر اصلی (۴۰٪)؛ سمانه کیا (نویسنده دوم)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۳۰٪)؛ عصمت خلیلی (نویسنده سوم)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۳۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- 1- Majlesi MB. The seas of lights (Behar al-anwar).